

وضعیت و چالش‌های تضمین کیفیت و اعتباردهی در تحصیلات عالی

پوهندوی دکتور محمد ظاهر فهیمی

دیارتمت تعلیم و تربیه، پوهنځی علوم تربیتی و مسلکی، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: mfahimi310@gmail.com

چکیده

در این تحقیق که از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت موضوع توصیفی - تحلیلی و از نظر چگونگی گردآوری معلومات، کیفی ترکیبی است، سعی شده وضعیت و چالش‌های مهم ارزیابی کیفی تحصیلات عالی در کشور بررسی و گزارش شود. در مدل تحلیلی، چالش‌های «پروژه تضمین کیفیت تحصیلات عالی» متغیر واحد آن است. جامعه آماری آن، استادان، محصلان و کارمندان دو پوهنتون کابل، یکی خصوصی و دیگری دولتی بوده است. در نمونه‌گیری از روش غیر احتمالی یا در دسترس طبقه‌بندی و برای گردآوری معلومات از روش‌های مشاهده مشارکتی و مصاحبه آزاد استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه و مشاهده روش کدگذاری به کار رفته است. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که پروژه تضمین کیفیت در دو بخش پالسی و پلان‌گذاری و نیز سازوکار اجرایی گرفتار مشکلات جدی است که با توجه به چالش‌های شناسایی شده باید در هر دو بخش تجدیدنظر اساسی صورت گیرد.

اصطلاحات کلیدی: اعتباردهی؛ تحصیلات عالی؛ نظارت؛ ارزیابی؛ تضمین کیفیت

Status and Challenges of Quality Assurance and Accreditation in Higher Education

Assistant Prof. Mohammad Zahir Fahimi

Department of Education, Faculty of Educational and Professional Sciences, Kabul University of Education, Kabul, Afghanistan
Email: mfahimi310@gmail.com

Abstract

This research has a practical purpose, adopting a descriptive-analytical approach to gather qualitative-combined information. The study investigates and reports the current status and significant challenges within Afghanistan's higher education quality assessment. The research singles out the "higher education quality assurance process" as its analytical variable. The research population encompasses professors, students, and employees from two Kabul-based universities, one private and one public. Non-probability or available stratified sampling methods were employed, and data collection utilized participatory observation and open interviews. Data analysis involved coding of interview data and observational findings. The results underscore serious problems in the quality assurance process, particularly within policy and planning departments and the execution mechanism, calling for revisions based on the identified challenges.

Keywords: Accreditation; Higher Education; Monitoring; Evaluation; Quality Assurance

مقدمه

بحث تضمین کیفیت در تحصیلات عالی اگرچه در سطح جهان به‌خصوص کشور امریکا (اواخر قرن ۱۹) سابقه نسبتاً طولانی دارد (بازرگان، ۱۳۸۳)؛ ولی در افغانستان، سابقه آن از حدود یک دهه بیش‌تر نمی‌گذرد. با این حال؛ به‌نظر می‌رسد این پروسه، گرفتار مشکلات و چالش‌های می‌باشد که شاید از برخی جهات، در سایر کشورها تجربه نشده باشد. این چالش‌ها شامل معیارهای موضوعه پروسه، جریان نظارت و دست‌آورد می‌شود.

نگارنده به‌عنوان عضو اولین گروپ نظارتی ریاست تضمین کیفیت وزارت تحصیلات عالی که علاوه بر آموزش‌های ضروری در زمینه تضمین کیفیت، عملاً در پروسه نظارت از مؤسسات و مراکز تعلیمی ریاست مزبور شرکت داشته است؛ مشکلات متعددی را از نزدیک شاهد بوده که در نهایت به تحقیق حاضر انجامیده است.

این تحقیق؛ در شهر کابل انجام گرفته و در آن علاوه بر نظرات استادان و محصلان، نظرات کارمندان اداری و سازمانی نیز اخذ شده است.

بیان مسأله

اعتبارسنجی یا تضمین کیفیت تحصیلات عالی، فرایندی است که جهت ارزیابی در باره چگونگی فعالیت سازمان‌های تعلیمی مربوط این جریان انجام می‌گیرد. در ارزیابی‌های تضمین کیفیت معمولاً مجموعه‌ای از عوامل تشکیل‌دهنده نظام یک واحد سازمانی مدنظر قرار می‌گیرد و برای چگونگی فعالیت‌های آن‌ها استانداردهای طراحی و تدوین می‌شود. این استانداردها به اطلاع واحدهای ذی‌ربط می‌رسد و سپس در فرصت مناسب به‌منظور میزان عملیاتی‌سازی استانداردها بعد از دریافت گزارش‌های اجرایی، توسط هیأت مؤلف از عملکرد آن واحدها، ارزیابی صورت می‌گیرد. در این ارزیابی تمام زیر مجموعه‌ها مانند: بخش‌های اداری، مالی، خدماتی، تعلیمی، تحقیقی و نشرات بازدید شده؛ نتایج بازدید به واحد مرکزی سازمان مربوطه ارائه می‌شود. مهم‌ترین هدف‌های که برای این کار شمرده می‌شود؛ عبارتند از:

۱. پاسخ‌گو شدن مراکز تعلیمی تحصیلات عالی در قبال امتیازات مادی و معنوی که از آن برخوردار می‌شوند؛

۲. کارآمد شدن و بهبود جریان تحصیلات عالی؛

۳. جلب اعتماد عمومی و کسب اعتبار ملی و بین‌المللی تحصیلات عالی کشور.

ارزیابی‌های تضمین کیفیت به‌صورت اصولی به دو حوزه اصلی فعالیت‌های تحصیلات عالی مربوط می‌شود:

۱. پلان‌ها و استندردهای طراحی شده آموزشی، اداری، تحقیقی و خدماتی تحصیلات عالی

۲. میزان و چگونگی تطبیق پلان‌ها و استندردهای تحصیلات عالی در مراکز تعلیمی در افغانستان، همان‌گونه که در مقدمه اشاره شد، حدود کمی بیش از یک دهه (۲۰۱۱) از فعالیت واحد سازمانی تحت عنوان ریاست تضمین کیفیت می‌گذرد که از آن زمان تا کنون پروسه نظارت و ارزیابی مراکز تعلیمی دولتی و غیر دولتی (پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی خصوصی) دوام داشته و تلاش‌های بسیاری نیز صورت گرفته است. به‌طور طبیعی، سؤالی که در این مورد مطرح می‌شود این است که آیا این پروسه به اهداف مورد نظر خود دست یافته است؟ آیا فرایند مزبور توانسته است، مراکز تعلیمی تحصیلات عالی را، وادار به پاسخ‌گویی نماید؟ آیا جریان تحصیلات عالی کشور بهبود یافته است؟ آیا اعتماد عمومی جلب شده است؟ آیا تحصیلات عالی کشور از اعتبار ملی و بین‌المللی برخوردار شده است؟ شواهد و نشانه‌های این جلب اعتماد و کسب اعتبار چیست؟ آیا اگر پروسه تضمین کیفیت در کشور جریان نمی‌داشت، وضعیت تحصیلات عالی و مراکز عالی تعلیمی آن، در شرایط بدتر از وضعیت کنونی قرار می‌داشت؟ کمک‌های ملموس و مشخص پروسه تضمین کیفیت به فرایند تحصیلات عالی کشور چیست؟ آیا بهتر نبود به‌جای هزینه‌های بسیاری که برای طراحی و تطبیق پروسه تضمین کیفیت انجام گرفته، طرح دیگری برای بهبود تحصیلات عالی ارائه و تطبیق می‌شد؟ دست‌آوردهای مطلوب و عوارض نامطلوب اجرای پروسه تضمین کیفیت در کشور چیست؟ چالش‌های طراحی و اجرای پروسه تضمین کیفیت کدام‌اند؟ چگونه می‌توان با این چالش‌ها مواجهه مناسب و مؤثر داشت؟ به‌طور کلی آیا الگوی جاری نظارتی تضمین کیفیت، مناسب‌ترین الگوی بهبود وضعیت تحصیلات عالی در کشور است؟

این سؤالات و پرسش‌های مشابه، دغدغه‌های اصلی محقق را در این تحقیق شکل داده است که در جریان آن تلاش گردیده تا دست کم بخشی از سؤالات مزبور به‌گونه‌ی روش‌مند پاسخ داده شود.

اهداف تحقیق

الف. هدف اصلی

شناسایی چالش‌های اساسی نظارت و ارزیابی کیفی تحصیلات عالی در افغانستان.

ب. اهداف فرعی

۱. شناسایی چالش‌های پالیسی و پلان‌گذاری تضمین کیفیت در تحصیلات عالی افغانستان

۲. شناسایی چالش‌های اجرایی تضمین کیفیت در تحصیلات عالی افغانستان.

سؤالات تحقیق

الف. سؤال اصلی: چالش‌های اساسی تضمین کیفیت در تحصیلات عالی افغانستان چیست؟

ب. سؤالات فرعی

۱. چالش‌های تضمین کیفیت در تحصیلات عالی افغانستان از نظر پالیسی و پلان‌گذاری چیست؟
۲. چالش‌های تضمین کیفیت در تحصیلات عالی افغانستان از نظر عوامل اجرایی چیست؟

پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع تحقیق؛ تا آن‌جا که محقق اطلاع دارد؛ متأسفانه تا کنون تحقیق داخلی استندرد و روش مند انجام نگرفته است. شاید از جهتی نسبت به سایر کشورها، نظام ارزیابی کیفی تحصیلات عالی در کشور ما نوپا و جدید به حساب می‌آید اما مدت بیش از دهه زمانی کمی برای این کار نیست و انتظار می‌رفت که در طول این مدت باید تحقیقات متعددی در این زمینه از سوی خود واحد مسئول انجام می‌گرفت.

در میان تحقیقات خارجی، البته تحقیقات زیادی انجام گرفته که اگرچه از نظر تئوری تا حدودی می‌تواند به موضوع این تحقیق مربوط باشد؛ اما در حقیقت خارج از موضوع بوده با چالش‌های تضمین کیفیت کشور افغانستان تماس نداشته‌اند. به‌عنوان مثال در ایران از سال ۲۰۱۴ تا کنون (۲۰۲۲) شانزده «همایش ملی و بین‌المللی در موضوع ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام‌های پوهنتونی» برگزار شده که در جریان هر کدام ده‌ها مقاله علمی-تحقیقی ارائه شده است. مقالات و نتایج این تحقیقات در بخش نظری می‌تواند به مسایل و موضوعات تضمین کیفیت ما کمک نماید؛ اما مربوط به موضوع تحقیق حاضر نمی‌شود (سایت همایش‌های ملی و بین‌المللی در موضوع ارزیابی و تضمین کیفیت در نظام‌های پوهنتونی).

مبانی نظری تحقیق

کیفیت در تحصیلات عالی

کیفیت در تحصیلات عالی اگرچه در بسیاری از کشورها مورد توجه و اهتمام قرار گرفته؛ اما در عین حال دارای یک مفهومی که مورد توافق همگان قرار داشته باشد، ندارد (یار محمدیان، ۱۳۸۳، ص ۷۱). لذا برخی از کارشناسان و صاحب‌نظران تحصیلات عالی، از حوزه مطالعاتی اقتصاد کمک گرفته؛ کیفیت را براساس الگوی اقتصادی معنا کرده‌اند.

در حوزه اقتصاد، کیفیت، به مجموعه ویژگی‌های یک محصول تولید شده یا خدمات ارائه شده گفته می‌شود که با خواسته‌ها، توقعات و ارزش‌های ادراک شده دریافت‌کنندگان محصول یا خدمات مطابقت داشته باشد (سازمان جهانی استاندارد). بنابراین یک محصول تولید شده زمانی با کیفیت گفته می‌شود که

دارای خصوصیت‌ها و ویژگی‌های پذیرفته شده مصرف‌کنندگان باشد و توقع تعریف شده مشتریان را برآورده سازد.

این تعریف؛ به تعبیر قورچیان تعریفی مناسب با نگرش مصرف‌مدار می‌باشد (قورچیان، ۱۳۷۳). قورچیان، نگرش‌های عمومی معطوف به کیفیت نظام تحصیلات عالی را در چهار دسته: نگرش تعالی‌مدار، نگرش تولیدمدار، نگرش مصرف‌مدار و نگرش استندردمدار قرار می‌دهد.

منظورش از نگرش تعالی‌مدار آن است که قضاوت‌ها و ارزیابی‌ها براساس اعتلای درونی، ذاتی و ارزش‌های عالی و الهی صورت می‌گیرد. این نگرش کیفیت در تحصیلات عالی آرمانی محسوب می‌شود. نگرش کیفیت تولیدمدار: قضاوت در خصوص کیفیت براساس میزان نتایج برون‌دادی تحصیلات عالی می‌باشد (مانند تعداد فارغ‌التحصیلان یک پوهنتون). این نگرش نگاه کمی دارد و در واقع از ماهیت کار تضمین کیفیت دور می‌ماند.

نگرش مصرف‌مدار نگرشی است که در آن نظر ذی‌نفعان اهمیت دارد؛ مانند استادان، محصلان، خانواده‌های آنان، شرکت‌ها و کمپنی‌ها و تمام کارگاه‌های که به‌نحوی با محصولات تحصیلات عالی سر و کار دارند.

نگرش استندردمدار نگرشی است که معیارها و استندردها از قبل تدوین می‌شود و جریان عمل و فعالیت‌های سازمان‌های آموزشی براساس آن‌ها قضاوت می‌شود (قورچیان، ۱۳۷۳).

هاروی و گرین (۲۰۰۶) برای شناسایی و تعریف کیفیت در تحصیلات عالی از پنج رویکرد نام می‌برد که عبارت‌اند از: دیدگاه استثنایی، دیدگاه ثبات و قوام، دیدگاه تناسب با اهداف، دیدگاه ارزش افزوده و دیدگاه تغییر و دگرگونی. هرکدام از این دیدگاه‌ها در بیان هاروی و گرین مفهوم خاص دارد که در جای خودش توضیح داده شده است (جعفری ثانی، ۱۳۹۷).

بدین ترتیب به نظر می‌رسد که اولاً مفهوم کیفیت در تحصیلات عالی یک موضوع خیلی روشن و شفاف نیست. ثانیاً کیفیت، یک مفهوم نسبی است و از زوایه‌های مختلف قابل توضیح می‌باشد. با این حال در یک جمع‌بندی می‌توان گفت کیفیت در تحصیلات عالی عبارت است از: انطباق خصوصیات تحصیلات عالی با نرم‌ها و انتظارات پذیرفته شده ملی و بین‌المللی. در این مفهوم علاوه بر این که نگاه ذی‌نفعان مطرح است به‌گونه‌ی معیارها نیز مد نظر قرار می‌گیرد. این معنا، همان مفهومی است که شبکه بین‌المللی تضمین کیفیت تحصیلات عالی، نیز ارائه کرده است. در تعریف شبکه مزبور، کیفیت در تحصیلات عالی عبارت است از: انطباق خصوصیات تحصیلات عالی با نرم‌ها، معیارها، اهداف و انتظارات تعریف شده بین‌المللی (Ziegler, 1994).

بنابراین یک جریان تحصیلی و آموزشی، زمانی تحصیلات عالی با کیفیت تلقی می‌شود که دارای ویژگی‌ها و کارکردهای پذیرفته شده ملی و بین‌المللی باشد. در غیر این صورت؛ قطع نظر از این که این جریان با چه عنوانی شناخته می‌شود یا نگاه ارزش‌یابانه عمومی یا جمعی نسبت به آن چگونه شکل گرفته است، تحصیلات عالی با کیفیت محسوب نخواهد شد.

خصوصیات تحصیلات عالی

طبق تعریف یونسکو، تحصیلات عالی به کلیه آموزش‌های گفته می‌شود که پس از تحصیلات دوره لیسه، توسط پوهنتون‌ها و مؤسسات تحصیلات عالی ارائه می‌شود (یونسکو، ۱۹۹۵). این آموزش‌ها، قوای مسلکی کار کشور را تربیت و ظرفیت تولید دانش و نوآوری را تقویت کرده موجب بهره‌وری و رشد اقتصادی می‌شود. این جریان مریانی را در اختیار دارد که در بالاترین سطح ظرفیت ذهنی و جسمی خود قرار دارند؛ از عمیق‌ترین احساس استقلال و آزادی برخوردار اند؛ در معرض متنوع‌ترین تجربه زندگی هستند و در حساس‌ترین دوران زندگی بشری خود به سر می‌برند. معمولاً کسانی که اداره و هدایت کشورها را به‌عنوان حکم‌روا در دست می‌گیرند؛ به‌طور مستقیم از کانال تحصیلات عالی عبور می‌کنند و به شدت تحت تأثیر آموزه‌ها و تجربیات بدون واسطه همین جریان می‌باشند. بنابراین انتظار می‌رود که تحصیلات عالی در زندگی فردی و اجتماعی انسان به‌طور مطلوب نقش عمیق، گسترده و مستقیم داشته و به‌گونه‌ی سیستماتیک و مطلوب اثرگذاری نماید. در زندگی فردی باید دانش تخصصی و مسلکی افراد را افزایش دهد، آن‌ها را با روش‌های تحقیق علمی، و مهارت‌های ضروری آن آشنا کند؛ سواد اطلاعاتی، رسانه‌یی و فضای مجازی و استفاده صحیح از تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطاتی را در اختیار افراد قرار دهد و ظرفیت مهارت‌پذیری، اشتغال‌پذیری، خود-اشتغالی و کارآفرینی را تقویت کند. هم‌چنین، تحصیلات عالی زمینه‌های بالا رفتن اعتماد به نفس، جدیت و استقامت در کار و فعالیت را فراهم نموده به بهبود اخلاق حرفه‌یی و کسب و کار کمک کند.

هم‌چنین، تحصیلات عالی معمولاً بر میزان درآمدهای فردی و تغییر پایگاه اجتماعی افراد، نقش تعیین‌کننده دارد و الگوی علایق و شبکه ارتباطاتی اشخاص را تعیین می‌کند.

در زندگی اجتماعی، تحصیلات عالی باید به استقرار عدالت اجتماعی؛ تقویت روحیه شهروندی و مدنیت در افراد، خانواده‌ها و سطح جامعه؛ کاهش معضلات اجتماعی و خشونت مبتنی بر فاکتورهای غیر منطقی و غیر اختیاری مانند: قومیت، ملیت، جنسیت، حفظ، انکشاف و انتقال میراث علمی، کمک کند. تنظیم و هدایت قوای بشری مسلکی و متخصص؛ هماهنگ‌سازی جامعه با تحولات ملی، منطقه‌یی و بین‌المللی؛ بسترسازی مناسب برای ارائه نوآوری و ابتکار؛ فرهنگ‌سازی و توسعه فرهنگی؛ انکشاف و

توسعه اقتصادی؛ پیشبرد منافع ملی از طریق نوآوری و تحقیق، بخشی دیگر از کارکردها و خصوصیات است که توقع می‌رود تحصیلات عالی باید داشته باشد.

تضمین کیفیت در تحصیلات عالی

تضمین کیفیت یا اعتبارسنجی در تحصیلات عالی فرایندی است که طی آن مجموعه‌یی از استانداردهای از قبل تعیین شده، در یک سازمان یا نهاد آموزشی عالی مورد بررسی قرار می‌گیرد و میزان تطابق وضعیت موجود سازمان با آن استانداردها تعیین می‌شود.

بدین ترتیب؛ هدف اصلی پروسه تضمین کیفیت اطمینان یافتن از موجودیت شرایط و ساز و کار تحقق هدف یا اهداف تعیین شده آموزشی، تحقیقی، خدمات علمی، فرهنگی و اقتصادی متوقعه، می‌باشد. مهم‌ترین کارکردهای این پروسه عبارتند از: تسهیل دستیابی به مأموریت و اهداف سازمان، جهت‌دهی برنامه‌های پوهنتونها، نظارت بر تطبیق استانداردها و رعایت معیارها، پالیسی‌سازی برای بهبود کیفیت ساختاری، آموزشی و تحقیقی نهادها و سازمان‌های تعلیمی، هدایت برنامه‌ها و پروگرام‌های ادواری و فوق برنامه، کمک به انجام ارزیابی‌های مختلف آموزشی و تحقیقاتی، زمینه‌سازی تبادل تجربه بین سازمان‌های مختلف تحصیلات عالی، کمک به طراحی و اجرای برنامه‌های استراتژیک و عملیاتی سازمان‌های آموزشی.

جمع‌بندی مبانی نظری

با توجه به مفاهیم کیفیت در تحصیلات عالی، خصوصیات و کارکردهای مورد انتظار تحصیلات عالی و نیز مفهوم تضمین کیفیت در تحصیلات عالی، می‌توان گفت که مهم‌ترین رسالت و وظیفه پروسه تضمین کیفیت در یک کشور آن است که از طریق تعیین استانداردها، نظارت مستمر بر رعایت آنها، اطمینان ملی و بین‌المللی را به وجود آورد که تحصیلات عالی آن کشور، از کارکردها و خصوصیات مورد انتظار برخوردار است.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت موضوع توصیفی - تحلیلی و از نظر چگونگی گردآوری معلومات، کیفی ترکیبی است. در تحقیقات توصیفی - تحلیلی در باره خصوصیات یک پدیده یا موضوع بدون هیچ‌گونه دخالت در وضعیت آن، توصیف و نتیجه‌گیری می‌شود (نوبخت، ۱۳۹۲، ص ۴۴). هم‌چنین، کیفی ترکیبی بودن جمع‌آوری معلومات به این معنا است که در آن از دو روش مشاهده و مصاحبه استفاده شده و داده‌ها با توجه به اصول تحقیقات کیفی براساس میزان تأکید و تصریح مفهومی تجزیه و تحلیل می‌شود. در مدل تحلیلی، چالش‌های پروسه تضمین کیفیت تحصیلات عالی افغانستان

متغیر واحدی است که برای توصیف و تحلیل مورد توجه قرار داشته است. جامعه آماری این تحقیق استادان (۱۰ تن)، محصلان (۲۰ تن) و کارمندان (۱۵ تن) دو پوهنتون کابل، یکی خصوصی و دیگری دولتی است. در نمونه‌گیری از روش غیر احتمالی یا در دسترس طبقه‌بندی، و برای گردآوری معلومات از روش‌های مشاهده مشارکتی و مصاحبه آزاد استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های مصاحبه و مشاهده روش کدگذاری به کار گرفته شده است. یعنی این‌که پس از مشاهده و مصاحبه معطوف به چالش‌های مربوط به تضمین کیفیت، محتوای مشاهده و مصاحبه تحلیل و مفاهیم به دست آمده کدگذاری گردید. سپس محتوای یادداشت شده مشاهده‌ها و مصاحبه‌ها به دقت مطالعه و بررسی گردید و شواهد و مفاهیم لازم از میان آن‌ها اخذ شد. در ادامه، این مفاهیم و شواهد مورد بررسی مجدد قرار گرفت و از میان آن‌ها مقوله‌های مشخص شناسایی، دسته‌بندی و ادغام گردید. تا این‌که مفاهیم و مقوله‌های اصلی در دو مرحله و در دو بخش ذیل استخراج و نهایی شد.

۱. چالش‌های پالیسی و پلان‌گذاری تضمین کیفیت در تحصیلات عالی

۲. چالش‌های اجرایی و عملیاتی تضمین کیفیت در تحصیلات عالی

یافته‌های تحقیق

آنچه از تحقیق حاضر در مرحله اول به دست آمد، مفاهیم اولیه‌یی بود که در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: مفاهیم و مقوله‌های به دست آمده از مشاهدات و مصاحبه‌ها

شماره	مفاهیم اولیه	بخش	فراوانی
۱.	نبود پالیسی واضح و شفاف حکومتی	۱	۴۷
۲.	واضح نبودن معیارهای ارزیابی کیفی	۱	۳۸
۳.	دخالت علایق و سلايق شخصی کارمندان بخش مدیریتی پروسه	۲	۳۳
۴.	تغییرات پیاپی معیارهای فرعی و گاهی اصلی	۱	۴۴
۵.	تغییرات مکرر مسئولین کارمندان ریاست تضمین کیفیت وزارت تحصیلات عالی	۲	۶۰
۶.	دخالت علایق شخصی و فردی بازنگران	۲	۷۰
۷.	مناسب نبودن معیارهای اصلی و فرعی ارزیابی کیفی با شرایط و وضعیت کشور	۱	۴۸
۸.	نامناسب بودن الگوهای ارزیابی با شرایط بومی افغانستان	۱	۲۸
۹.	فقدان رویکرد قطعی و واضح نسبت به وضعیت تحصیلات عالی	۱	۳۰
۱۰.	نبود امکانات لازم برای تطبیق معیارهای ارزیابی کیفی	۲	۶۰
۱۱.	حاکمیت رویه‌های سخت سابق بر مراکز تحصیلات عالی	۲	۷۰
۱۲.	عدم اعتقاد مسئولین پوهنتون‌ها نسبت به پروسه تضمین کیفیت	۲	۷۶
۱۳.	عدم اعتقاد و انگیزه واحد اداری موظف تضمین کیفیت	۲	۴۸
۱۴.	نبود اهرم‌های عملیاتی لازم برای تطبیق معیارهای تضمین کیفیت	۲	۷۰
۱۵.	مسایل فرهنگ عمومی نسبت به تضمین کیفیت	۲	۶۳
۱۶.	عدم هماهنگی بخش‌های مختلف سازمانی نسبت به تضمین کیفیت	۲	۴۶
۱۷.	فراهم نبودن زمینه‌های تطبیق معیارهای تضمین کیفیت	۲	۶۸
۱۸.	مفهوم نبودن معیارهای اصلی و فرعی تضمین کیفیت	۲	۶۲
۱۹.	نبود قوانین مؤثر حمایتی لازم	۱	۲۳
۲۰.	تعصبات مختلف	۲	۲۱
۲۱.	افکار عمومی ضعیف و بی‌جایگاه	۲	۲۴
۲۲.	عدم رویکردهای انگیزشی مناسب	۲	۳۳
۲۳.	مقاومت در برابر تغییر	۲	۳۳
۲۴.	نبود مشوق‌های لازم برای تطبیق معیارهای تضمین کیفیت	۲	۱۶
۲۵.	عدم شایسته‌سالاری	۲	۲۴

در مرحله دوم، جدول ۱ با دقت بیش‌تر مورد بررسی قرار گرفت و برخی مفاهیم آن ادغام شده مقوله‌ها و مفاهیم جامع‌تر و سازمان‌یافته‌تری به دست آمد که حاصل آن شکل‌گیری جدول ۲، مربوط به مقوله‌ها و

چالش‌های پالیسی و پلان‌گذاری و جدول ۳، مربوط به مقوله‌ها و مفاهیم چالش‌های اجرایی و عملیاتی می‌باشد.

جدول ۲: مقوله‌ها و چالش‌های پالیسی و پلان‌گذاری

شماره ردیف	مقوله‌ها و مفاهیم
۱.	نبود یک پالیسی واضح و شفاف
۲.	واضح نبودن معیارهای ارزیابی کیفی
۳.	تغییرات پیاپی معیارهای فرعی و گاهی اصلی
۴.	مناسب نبودن الگوهای ارزیابی تضمین کیفیت با شرایط اقتصادی و فرهنگی افغانستان
۵.	فقدان رویکرد قطعی و واضح نسبت به وضعیت تحصیلات عالی
۶.	فقدان قوانین مؤثر حمایتی برای تضمین کیفیت در تحصیلات عالی

جدول ۳: مقوله‌ها و مفاهیم چالش‌های اجرایی و عملیاتی

شماره	مقوله‌ها و مفاهیم
۱.	دخالت علایق و سلاقی شخصی مدیران و مسئولان مربوطه
۲.	تغییر مکرر مسئولین کارمندان ریاست تضمین کیفیت
۳.	دخالت علایق شخصی و فردی بازرگانان
۴.	نبود امکانات لازم برای تطبیق معیارهای ارزیابی کیفی
۵.	عدم اعتقاد مسئولین پوهنتون‌ها نسبت به پروسه تضمین کیفیت
۶.	عدم اعتقاد و انگیزه واحد اداری موظف تضمین کیفیت
۷.	نبود اهرم‌های لازم برای مواجهه با تطبیق یا عدم تطبیق معیارهای تضمین کیفیت
۸.	فرهنگ عمومی و انتظارات شکل گرفته جامعه نسبت به تحصیلات عالی
۹.	عدم هماهنگی و اراده جدی بخش‌های مختلف سازمانی وزارت تحصیلات عالی در قبال موضوع تضمین کیفیت
۱۰.	فراهم نبودن زمینه‌ها و امکانات عمومی تطبیق معیارهای تضمین کیفیت
۱۱.	مفهوم نبودن معیارها و استندهای تضمین کیفیت
۱۲.	ضعف افکار عمومی و بی‌تفاوت در قبال مسایل تحصیلات عالی
۱۳.	عدم رویکردهای انگیزشی مناسب
۱۴.	مقاومت در برابر تغییر
۱۵.	نبود مشوق‌های لازم برای تطبیق معیارهای تضمین کیفیت
۱۶.	عدم شایسته سالاری

بحث و مناقشه

آنچه از جریان این بررسی به دست می‌آید این است که تحصیلات عالی کشور ما گرفتار مشکلات و معضلات متعددی در سطح پلان‌گذاری و اجرایی می‌باشد. از مجموع مفاهیم و شواهد به دست آمده چنین استنباط می‌شود که پروسه تضمین کیفیت تحصیلات عالی ما در هر دو سطح پلان‌گذاری و پالیسی‌سازی و نیز سطح اجرایی دچار مشکلات متعدد است. در بخش پلان‌گذاری کم‌تر اما مهم‌تر و در بخش اجرایی بیش‌تر و مؤثرتر.

در بخش پلان‌گذاری و طراحی مشکل اساسی این است که این پروسه مانند بسیاری از مسایل دیگر یک طرح وارداتی است که زمینه‌سازی لازم برای طراحی آن انجام نگرفته و دست‌اندرکاران بدون مطالعه کافی و بسترسازی مورد نیاز الگوی بومی نشده و غیر مناسبی را انتخاب کرده‌اند. این درحالی است که کیفیت و معیارهای عینی آن یک امر نسبی است و نسخه جهان‌شمول ندارد. البته در سطح عنوان و تئوری، ممکن است نسخه جهان‌شمولی برای آن تصور شود؛ اما در واقعیت‌های عینی و عملی یک جامعه ممکن است شرایط و وضعیت بسیار متفاوت باشد. کیفیت در هر جامعه و برای هر کالا متفاوت است، چون تعریف آن وابسته به فرهنگ و شرایط عینی جامعه است. تعریفی که در بخش مبانی نظری تحقیق از کیفیت ارائه شده عبارت است از انطباق خصوصیات تحصیلات عالی با نرم‌ها و انتظارات پذیرفته شده ملی و بین‌المللی.

این نرم‌ها و انتظارات بیش از آن‌که بر فرایند تأکید نماید محصولات و نتایج را هدف قرار می‌دهد. این معنا همان چیزی است که در خصوصیات و کارکردهای تحصیلات عالی ذکر شده‌اند. به عنوان مثال در خصوصیات تحصیلات عالی گفته شده که در زندگی فردی باید: دانش تخصصی و مسلکی افراد را افزایش دهد، آن‌ها را با روش‌های تحقیق علمی و مهارت‌های ضروری آن آشنا کند، سواد اطلاعاتی، ظرفیت مهارت‌پذیری، اشتغال‌پذیری، خود-اشتغالی و کارآفرینی را تقویت کند. هم‌چنین، در زندگی اجتماعی، تحصیلات عالی باید به استقرار عدالت اجتماعی کمک کند، روحیه شهروندی و مدنیت را در افراد بالا ببرد و قوای بشری مسلکی و متخصص را تنظیم و هدایت کرده جامعه را با تحولات ملی و بین‌المللی هماهنگ کند. این امر می‌طلبد که پروسه تضمین کیفیت بیش‌تر بر نتایج و دست‌آوردهای تحصیلات عالی تمرکز کند و کیفیت تحصیلات عالی را از زاویه نتایج و دست‌آوردها مورد ارزیابی قرار دهد. طرح و پلانی را روی دست بگیرد که متناسب با قد و قواره کشور کیفیت‌سنجی شود. متأسفانه در این زمینه طرح تضمین کیفیت تحصیلات عالی ما بیش‌تر به فرایند و جریان تکیه داشته است. در طول بیش از یک دهه فعالیت کم‌تر به این نکته توجه شده که آیا معیارهای روی دست تضمین کیفیت و پلان

عملیاتی آن با شرایط اجتماعی و اقتصادی کشور ما متناسب است یا نه؟ آیا منابع و امکانات لازم در سطح کشور وجود دارد که از یک پوهنتون خصوصی داشتن آمبولانس را توقع داشت یا نه؟ آیا محصولات پوهنتون‌ها و مؤسسات تضمین کیفیت شده با محصولات پوهنتون‌ها و مؤسسات تضمین نشده متفاوت است؟ این تفاوت‌ها چیست؟ اگر تفاوتی در برابری ندارد پس باید در اصل طرح و پلان تضمین کیفیت، پالسی‌ها و رویکردهای آن تجدیدنظر شود.

بخش اجرایی تضمین کیفیت گرفتاری بیش‌تر داشته است. واقعیت این است که در افغانستان همیشه و در تمام عرصه‌ها مشکلات جدی و مهم در بخش اجرایی است. در مجموع، بسیاری از قوانین در افغانستان به صورت جامع و کامل تقنین شده است؛ اما در اجرا تقریباً همه قوانین دچار مشکل می‌باشد. پروسه تضمین کیفیت تحصیلات عالی نیز از این قاعده مستثنا نیست و چنان‌که تحقیق حاضر نشان می‌دهد مشکلات و چالش‌های بخش اجرایی و عملیاتی سه برابر مشکلات بخش پالیسی و پلان‌گذاری است. در این بخش که برخی ناشی از مشکلات پالیسی و پلان‌گذاری پروسه تضمین کیفیت، برخی ناشی از وضعیت فرهنگی، برخی ناشی از وضعیت سیاسی - امنیتی و بسیاری ناشی از وضعیت اقتصادی می‌باشد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تحصیلات عالی افغانستان در طول تاریخ پس از تأسیس گرفتار مشکلات و چالش‌های مختلفی بوده است. نبود زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و تکنالوژیکی لازم برای توسعه و انکشاف بخش مهمی از این چالش‌ها را تشکیل می‌داده است. این درحالی است که موجودیت چنین زمینه‌ها شرط لازم و اساسی فعالیت یک نهادی مانند نهاد تحصیلات عالی می‌باشد. شاید اساسی‌ترین مشکل در این زمینه عدم موجودیت درک درست نسبت به تحصیلات عالی، پیش‌زمینه‌ها، فرایندها و کارکردهای آن بوده است. در حقیقت درک نادرست عمومی که حتی گاهی شامل برخی مسئولین و دست‌اندرکاران این جریان نیز می‌شده، مبنای بسیاری از مشکلات و چالش‌های را تشکیل می‌داده که در طول زمان گذشته این نهاد با آن‌ها دست و پنجه نرم کرده و رنج می‌برده است.

در سال‌های اخیر این وضعیت اندکی تغییر یافته و دست کم در سطح مدیریتی و رهبری این نهاد، نگاه مثبت‌تری نسبت به ماهیت، خصوصیات و کارکردها به وجود آمده است. با این حال هنوز هم چالش‌ها و مشکلاتی بسیاری وجود دارد که تحصیلات عالی کشور مانند بخش معارف گرفتار آن‌ها بوده؛ این نهاد را از درجه اعتبار لازم برای کارآمدی و مؤثریت ساقط کرده است.

نتیجه‌ی که از تحقیق حاضر می‌توان گرفت این است که پروسه تضمین کیفیت باید در هر دو بخش پالیسی‌سازی و سازوکار اجرایی مورد بازبینی قرار گیرد و با توجه به چالش‌های شناسایی شده تجدیدنظر شود. در بخش پالیسی‌سازی و پلان‌گذاری باید شرایط و وضعیت اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی در نظر گرفته شود و به خصوص معیارهای فرعی به صورت اساسی و تخصصی اصلاح شود. در بخش اجرایی نیز باید شرایط مزبور در نظر گرفته شود و با توجه به این شرایط معیارهای کیفیت و تضمین کیفیت وضع شود. به طور مشخص موارد ذیل جزو پیشنهادات این تحقیق می‌باشد:

۱. پالیسی‌های تضمین کیفیت مشخص و قطعی شود؛
۲. اهداف کاربردی و عملی و عینی تشخیص و تعیین شود؛
۳. معیارهای اصلی کم‌تر شود؛
۴. معیارهای فرعی متناسب شود؛
۵. مشوق‌ها و تنبیهات عملی و متناسب در نظر گرفته شود؛
۶. بخش‌های اداری وزارت خانه‌های دولتی، معطوف به بهبود کیفیت تعلیمی تحصیلات عالی هماهنگ شوند؛
۷. از طریق رسانه‌های جمعی فرهنگ‌سازی کلی و عمومی انجام شود؛
۸. سیستم عینی و عملیاتی مناسب در نظر گرفته شود؛
۹. برای وضع قانون و ایجاد شرایط حقوقی مناسب و ضروری اقدام شود؛
۱۰. امکانات بیش‌تری در اختیار پروسه تضمین کیفیت قرار گیرد.

منابع

- بازرگان، عباس. (۱۳۸۳). اعتبارسنجی در آموزش عالی، دایره‌المعارف آموزش عالی، زیر نظر نادرقلی قورچیان و همکاران، بنیاد دانش‌نامه بزرگ فارسی، تهران.
- بازرگان، عباس، فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۶). نظارت و ارزش‌یابی در آموزش عالی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی پوهنتون‌ها (سمت)، تهران.
- قورچیان، نادرقلی. (۱۳۷۳). تحلیلی بر مکعب کیفیت در نظام آموزش عالی، فصل‌نامه تحقیق و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۷ و ۸.
- جعفری ثانی، حسین و همکاران. (۱۳۹۷). مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی و دوازدهمین همایش ملی ارزیابی کیفیت در نظام‌های پوهنتونی، چالش‌ها و مشکلات تضمین کیفیت آموزش عالی با تأکید بر پوهنتون‌ها و مراکز آموزش عالی دولتی ایران، تهران.
- زراعت‌کار، سمیه و همکاران. (۱۳۹۹). شناسایی چالش‌های مدیریت منابع انسانی در بخش دولتی و تأثیر آن بر بهره‌وری، فصل‌نامه تحقیق‌های مدیریت منابع انسانی، سال دوازدهم، شماره ۴.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد. (۱۳۹۱). کیفیت در آموزش عالی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی پوهنتون‌ها (سمت)، تهران.
- برینان، جان و شا، تارلا. (۱۳۹۰). مدیریت کیفیت در آموزش عالی، چشم‌اندازی بین‌المللی به سنجش و تغییر سازمانی، ترجمه کیوان صالحی، حسن رضا زین‌آبادی و کورش پرند، مرکز نشر پوهنتونی، تهران.
- فتاحی، پرویز. (۱۳۹۰). مدیریت کیفیت و بهره‌وری، پوهنتون پیام نور، تهران.
- نویخت، محمد باقر. (۱۳۹۲). روش تحقیق پیشرفته، تحقیق‌کده تحقیقات راهبردی، تهران.
- یارمحمدیان، محمدحسین، یارمحمدیان. (۱۳۸۳). کیفیت در آموزش عالی، دایره‌المعارف آموزش عالی، بنیاد دانش‌نامه فارسی، زیر نظر نادرقلی قورچیان و همکاران، تهران.
- Ziegler, H. (1994). International Development Assuring Quality in Higher Education, Quality in Education, vol. 4, n. 2
- Harvey, I., & Green, D. (2006). Defining Quality. Assessment & Evaluation in higher education. Quality Assurance in education, 18(1), 9- 34.